

دعوت های بی پاسخ دولت افغانستان برای صلح

مهدي مدبر



صلح یکی از اهداف بنیادین دولت افغانستان بوده است، اما دیدگاه متفاوت دولت مردان نسبت به مسئله ی صلح و فقدان نگاه استراتژیک و طولانی مدت دشوار شده است و مخالفان مسلح دولت بجای ایوستن به صلح، تلاش های ستیزه جویانه ی شان را افزایش داده اند و تهدیدهای بیشتری برای دولت افغانستان خلق کرده اند. پروسه ی صلح در همه ی کشورهای پسا منازعه، طولانی مدت و زمان بر بوده است، اما مسئله صلح بصورت بنیادی و با نگاه واحد از سوی رهبران سیاسی و مردم این کشورها دنبال شده است، حکومت افغانستان نیز ضرورت دارد تا صلح را به یک برنامه ی بنیادی دولت تبدیل کند و یک طرح و استراتژی روشن را در این باره تدوین بکند و بر مبنای آن گفتگوهای صلح را به پیش ببرد و حکومت های بعدی نیز، راه رفته ی حکومت کنونی را بر اساس همان استراتژی بنیادی دولت راجع به صلح، ادامه هد. تفاوت دیدگاه ها نسبت به صلح و تغییر برنامه های دولت، در اولویت تلاش ها برای دست یافتن به صلح می باشد و باعث بی نتیجه ماندن این روند می گردد. رویکرد کنونی دولت افغانستان نسبت به صلح و دعوت از مخالفان مسلح برای

صلح یکی از اهداف بنیادین دولت افغانستان بوده است، اما دیدگاه متفاوت دولت مردان نسبت به مسئله ی صلح و فقدان نگاه استراتژیک و طولانی مدت دشوار شده است و مخالفان مسلح دولت بجای ایوستن به صلح، تلاش های ستیزه جویانه ی شان را افزایش داده اند و تهدیدهای بیشتری برای دولت افغانستان خلق کرده اند. پروسه ی صلح در همه ی کشورهای پسا منازعه، طولانی مدت و زمان بر بوده است، اما مسئله صلح بصورت بنیادی و با نگاه واحد از سوی رهبران سیاسی و مردم این کشورها دنبال شده است، حکومت افغانستان نیز ضرورت دارد تا صلح را به یک برنامه ی بنیادی دولت تبدیل کند و یک طرح و استراتژی روشن را در این باره تدوین بکند و بر مبنای آن گفتگوهای صلح را به پیش ببرد و حکومت های بعدی نیز، راه رفته ی حکومت کنونی را بر اساس همان استراتژی بنیادی دولت راجع به صلح، ادامه هد. تفاوت دیدگاه ها نسبت به صلح و تغییر برنامه های دولت، در اولویت تلاش ها برای دست یافتن به صلح می باشد و باعث بی نتیجه ماندن این روند می گردد. رویکرد کنونی دولت افغانستان نسبت به صلح و دعوت از مخالفان مسلح برای

صلح یکی از اهداف کلیدی دولت افغانستان بوده است، چرا ما هنوز نتوانسته ایم به صلح دست یابیم؟ همانگونه که جنگ در افغانستان به یک معمای پیچیده شبیه است، دست یافتن به صلح در افغانستان نیز معماگونه و پیچیده است. دخالت قدرتهای بزرگ دنیا و تعارض منافع آنها در افغانستان، بخش بزرگی از دلایل تداوم جنگ و ناکامی پروسه ی صلح در افغانستان است. اما از سوی دیگر دولت افغانستان هم تا کنون دیدگاه روشن نسبت به صلح با مخالفان مسلح نداشته است. حکومت قبلی افغانستان حتی تعریفی روشن از «دشمن» وجود نداشت و طالبان که همیشه مسئولیت حمله های تروریستی و انتحاری را به عهده گرفته اند، از سوی رئیس جمهور کزئی «برادر» خطاب می شدند. رئیس جمهور غنی اما طالبان را نه برادر گفت و نه دشمن، او آنها را «مخالفان سیاسی» دولت افغانستان خطاب کرد. علاوه بر اینها دیدگاه رسمی حکومت وحدت ملی با حکومت قبلی، در باره مسئله ی صلح تفاوت کلی و بنیادی دارد. در نبود نگاه روشن و تعریف واضح از دشمنان دولت و مردم افغانستان، پروسه ی صلح هم ره بجای نبرده است و نتوانسته است منجر به ختم جنگ در کشور گردد.

پیوستن به صلح در سخنرانی ها، به وضاحت نشانگر فقدان طرح استراتژیک و طولانی مدت دولت افغانستان است. این رویکرد نه تنها ما را به صلح نمی رساند، بلکه وقتی با تداوم جنگ همراه می شود، باعث می شود که مردم افغانستان به پروسه ی صلح و گفتگوهای که درباره صلح وجود دارد، بی اعتماد شود و برنامه ی صلح دولت افغانستان، حمایت های مردمی اش را از دست بدهد. صلح یک پروسه ی ملی است و بر سرنوشت همه ی شهروندان افغانستان تاثیر میگذارد. از این لحاظ، برنامه ی صلح دولت باید ملی باشد و حمایت های مردمی و اجتماعی را بشمار داشته باشد. مردم زمانی از برنامه های صلح دولت حمایت خواهند کرد که در گام نخست خود را در این پروسه سهیم بدانند و در گام دوم از برنامه های دولت دولت درباره صلح گنگ و مبهم است. در این باره هیچگونه اطلاعاتی به شهروندان داده نمی شود، تنها سیاستمداران میدانند که چه جریان دارد و گفتگوهای صلح چگونه پیش برده می شود. هیچ طرح مدونی وجود ندارد که شهروندان با مطالعه ی آن بتوانند از عمق استراتژی دولت نسبت به مسئله ی صلح آگاه شوند و همچنان هیچگاه به روشنی درباره صلح حرف زده نشده است. به همین خاطر پروسه ی صلح دولت نتوانسته حمایت های ملی را به دست بیاورد و موافقت نامه اخیر دولت با حزب اسلامی، از سوی بسیاری شهروندان کشور با انتقادات شدید همراه شد. حکومت افغانستان برای رسیدن به صلح، علاوه بر اینکه باید استراتژی مدون و طولانی مدت داشته باشد، باید حمایت های مردم افغانستان را نیز بدست بیاورد و دیدگاه آنها را راجع به روند گفتگوهای صلح برسد. بدون بدست آوردن حمایت مردمی روند صلح گفتگوهای صلح نمی تواند صلح پایدار را تضمین بکند. برای رسیدن به صلح و دعوت از مخالفان مسلح برای

موانع و چالشهای حکومت در مبارزه با فساد

ضیا دانش



از آنجاکه تدوین استراتژیها و مکانیزم های مبارزه با فساد در هرم ادارات صورت می گرفت و از آنجا عزم و اراده به شکل فرمان به سایر بخش های اداره شریان می یافت، نبود عزم واقعی، روند مبارزه با فساد ستون فقرات اداره را به تدریج مورد حمله قرار داد. امروزه، بدلیل شکسته شدن ستون فقرات ادارات و آلوده بودن هرم آن، نمی توان انتظار داشت که روند مبارزه با فساد، تدوین حرکت سریع و قابل قبول داشته باشد.

۴- متاثر شدن دیوارهای اخلاقی جامعه: ارزشهای اخلاقی باعث جلوگیری از آسیب پذیر سیستم های اجتماعی و فردی در مقابل ویروسها و تهدیدهای درونی و بیرونی می شود اما سالها جنگ و فقر سبب شده است که دیوار ارزشها و اخلاقی اجتماعی بشدت ضربه بخورد. با وجود اینکه ارزشهای دینی حاکم در کشور هرگز پدیده فساد را بر نمی تابد و این نگرش ارزشی، می توانست ظرفیتی فسوق العاده ی را جهت ایجاد فرهنگ ضد فساد به عنوان یکی از ابزارهای مهم مبارزه با این پدیده مبدل کند، اما صدمه دین دیوارهای ارزشی جامعه، کم کم بسترهای پذیرش فساد را مساعد ساخته و افلا در برابر آن بی تفاوت شده است.

۵- فساد و قدرت طلبی: استمرار قدرت در افغانستان بشدت به سرمایه و اقتصاد وابسته است؛ تمایل به کسب ثروت یاد آورده، نخبگان سیاسی را به سمت استفاده از مجاری نامشروع مالی تشویق می سازد. در چنین شرایطی، تلاش برای تسلط و حفظ هدف تبدیل میشود و در صورتیکه دولت در صد خارج ساختن این گلوگاه ها برآید، به مایه اعلان جنگ تلقی می شود. به همین دلیل، بخشی اساسی از چالشها وموانع دولت ناشی از مقاومت نخبگان جامعه در برابر روند مبارزه با فساد به حساب می رود. حکومت و نگرش استراتژیک به فساد شواهد و قرائن موجود نشان میدهد که حکومت افغانستان به فساد اداری به عنوان یک پدیده استراتژیک می نگرد و با درک چالشهای موجود، طرح جامع نیز برای مبارزه با آن روی دست دارد؛ هرچند سند مدون در این مورد تا هنوز ارایه نشده است اما فعالیت های انجام شده در عرصه تحقق حکومتمداری الکترونیک، توسعه تدوین پلان و پالیسی های مبارزه با فساد در تمام واحدهای تابعه، تلاش برای تحقق موفقیتهای حکومتداری خوب و... نشان میدهد که نگاه جامع و استراتژیک به پدیده به وجود آمده و این نوع نگرش، می تواند مایه ایجاد خوشبینی به آینده روند مبارزه با فساد اداری گردد.

و آهسته بودن روند مبارزه با فساد در پاسخ به سوالاتی دیگر جستجوگر؛ چالش های کلان با ابعاد مختلف و پیچیده بودن ریشه های فساد اداری و گستردگی آن، به عنوان فرضیه اصلی محور این نوشتار را تشکیل میدهد.

چالش های مبارزه با فساد در افغانستان فساد اداری اکنون به یک اپیدمی خطرناک و فراگیر تبدیل شده است؛ پدیده که ریشه در عوامل مختلف دارد و با نگرش تک زاویه ی نمی توان با آن مقابله کرد؛ تجویز مکانیزم های حمایتی با نگرش مدیریتی در ادارات، اتخاذ راهکارهای موثر فرهنگی جهت تضعیف بنیادهای اجتماعی فساد، ایجاد و تقویت همگرایی راستین در سطوح سیاسی و نخبگان جامعه، انجام اصلاحات استراتژیک در سیاست ها و استراتژی های مالی کشور و باز تعریف نگرش جامعه به قدرت و سیاست در حمایت و مخالفت سیاسی از نخبگان سیاسی و از همه مهمترین، باز خوانی نقش جامعه آکادمیک در تجویز راه حل های مبارزه با آفات و مشکلات مختلف، از الزامات و اقتضات مکانیزم چند بعدی و استراتژیک مبارزه با این پدیده به حساب می رود؛ در فقدان مکانیزم ایمن چنینی، نمی توان به روند مبارزه با فساد اداری دل بست و به نتایج آن امیدوار بود.

به هر روی، چالش های ذیل، مهمترین موانع حکومت در مواجهه با فساد به حساب می آید: ۱- فقدان مسولیت پذیری فردی: در افغانستان همه از پدیده فساد متاثر شده اند واستمرار این روند، سرشت و سرنوشت تک تک شهروندان کنونی و آینده کشور را با خطری جدی روبرو کرده است؛ به همین دلیل هم، در مورد مبارزه با فساد و تهدیدات

امیدوار یها به نتایج و دستاوردهای مبارزه با این پدیده کم رنگ بوده و اعتماد جامعه به صداقت و تعهد حکومت لرزان باشد. اکنون این سوال به جد مطرح است که چرا استراتژی های مبارزه با فساد نتیجه چندانی در ریشه کن سازی آن نداشته است؟ دلیل و علت کندی و آهستگی روند مبارزه با این پدیده چیست؟ عدم صداقت موثر، مبتنی بر ریشه ها، علل و حقایق فساد اداری؟ و یا به پیچیدگی، عمیق بودن و گستردگی این پدیده بر می گردد و یا هم، چالشها و موانع ساختاری، اجتماعی، شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، روند کار وزار علییه این پدیده را دشوار وسرعت آن را کند ساخته است؟

به نظر می رسد نگاه عمیق، بی طرفانه و عملی به کارنامه مبارزه با فساد اداری نشان میدهد که اراده، راهکارهای مبارزه و نتایج بدست آمده از روند مبارزه با فساد اداری حکومت کنونی در مقایسه با حکومت های قبلی، کاملا متفاوت است؛ وجود اراده و عزم واقعی برای ریشه کن کردن فساد، نگاه استراتژیک و مدیریتی به این پدیده، تدوین راهکارهای جامع، سیستماتیک و متناسب با ابعاد و عمق فساد اداری از ویژگی های روند مبارزه با فساد در حکومت کنونی و از تفاوت های استراتژیکی مبارزه با این پدیده در مقایسه با استراتژی های قبلی به حساب می رود.

از آنجاکه گسترش فساد اداری، از سوی پایه های اجتماعی قدرت حکومت را متزلزل می سازد و از سوی دیگر، حمایت های جهانی از آنان را کاهش میدهد و همچنین، فساد اداری یکی از چالشهای جدی است که می تواند موجب سقوط حکومت گردد، منطقی نخواهد بود اگر اراده و عزم سیاسی در سطح رهبری دولت در مورد مبارزه با فساد زیر سوال برده شود. بنابراین می بایست، کندی

فساد اداری به عنوان مهمترین تهدید و بزرگترین مانع در برابر توسعه و پیشرفت، یکی از کلیدی ترین مباحث مطرح در سالهای اخیر جامعه افغانستان و گفتنمان دوجانبه افغانستان با متحدان جهانی اش به حساب می رود. فقدان اراده سیاسی در حکومت های قبلی و وجود چالشها و موانع کلان در برابر سیاست های مبارزه با فساد حکومت کنونی، سبب شده است که همچنان این پدیده به عنوان یک معضل خطرناک در محراق میاوت و توجهات داخلی و خارجی بماند.

هرچند و بخصوص در دوستان اخیر، طرح مبارزه با فساد اداری به شکل سیستماتیک و نظاممند، روی دست گرفته شده و یکی از اولویت های حکومت وحدت ملی به حساب می رود، اما گستردگی، عمق و ابعاد فساد اداری، همچنان باعث شده است که میزان

فساد اداری به عنوان مهمترین تهدید و بزرگترین مانع در برابر توسعه و پیشرفت، یکی از کلیدی ترین مباحث مطرح در سالهای اخیر جامعه افغانستان و گفتنمان دوجانبه افغانستان با متحدان جهانی اش به حساب می رود. فقدان اراده سیاسی در حکومت های قبلی و وجود چالشها و موانع کلان در برابر سیاست های مبارزه با فساد حکومت کنونی، سبب شده است که همچنان این پدیده به عنوان یک معضل خطرناک در محراق میاوت و توجهات داخلی و خارجی بماند.

هرچند و بخصوص در دوستان اخیر، طرح مبارزه با فساد اداری به شکل سیستماتیک و نظاممند، روی دست گرفته شده و یکی از اولویت های حکومت وحدت ملی به حساب می رود، اما گستردگی، عمق و ابعاد فساد اداری، همچنان باعث شده است که میزان



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan Ma

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine

سرمقاله

اعتصاب موترداران و مسؤلیت دولت در قبال آن

حفیظ الله زکی

دیروز اتحادیه باربری گفته بود که از روز دوشنبه به دلیل اخذی نهادهای دولتی از رانندگان اعتصاب عمومی می کند. رانندگان لاری ها می گویند که دولت با عناوین مختلف از موترها تکس می گیرند، در حالی که در برابر آنها هیچگونه خدماتی ارائه نمی دهند.

اعتصاب رانندگان باعث توقف هزاران موتر در سراسر افغانستان می شود و تأثیر فوری روی نرخ اجناس و بخصوص کالاهای اساسی و مورد نیاز خانواده ها می گذارد. اعتصاب رانندگان سبب می شود که مغازه داران اجناس را احتکار کرده و بازار را از کالاهای مورد نیاز مردم خالی کنند. کمبود این مواد و اجناس باعث افزایش قیمت ها در بازار گردیده و مردم بیکار و کم درآمد را در آغاز فصل زمستان با مشکلات لاینحل دیگر مواجه می سازد. در کشورهای دیگر دولت در قبال زندگی مردم خود مسؤل و پاسخگو است. در تمام کشورها با توجه به امکانات و ظرفیت های آنها سطحی را برای زندگی مستندرد در نظر می گیرند و دولت مکلف است که شهروندان را به آن سطح از زندگی برساند. تأمین امنیت جانی، مالی و روانی، خانه مناسب، دسترسی به غذا و آب سالم و کافی، لباس و پوشاک مناسب، تعلیم و تربیه و دسترسی به خدمات صحتی ارزان که پرداخت هزینه آن در توان خانواده های کم درآمد باشند، جزو وظایف و مسؤلیت های اولیه هر حکومت به حساب می آید. ارائه این خدمات از یک طرف اطاعت و فرمانبرداری از دولت را توجیه می کند و از سوی دیگر سبب رشد متوازن کشور گردیده و شهروندان را از دغدغه گرسنگی و افتادن در گودال فقر نجات می دهند.

برخوردار مردم از حد اقل امکانات زندگی، زمینه های پیشرفت کشور را فراهم می آورد و جرایم و ناهنجاری های اجتماعی را کاهش می دهد. در این صورت مردم کمتر احساس بی عدالتی و محرومیت نسبی کرده و کمتر زمینه های اعتراض، اعتصاب، شورش ها و انقلاب های مردمی فراهم می شود.

مقام های وزارت ترانسپورت کشور پذیرفته اند که وزارتخانه های مختلف از جمله وزارت مالیه، تجارت، فواید عامه، ترانسپورت، شهرداری ها و پولیس ترافیک و... از اتوبوسها و لاری هایی که در جاده های کشور تردد دارند، اخذی می کنند. بر مبنای اظهارات مسؤلان دیدبان شفافیت افغانستان در مجموع سالانه سه میلیارد دالر رشوه از سوی نهادهای دولتی از شهروندان کشور گرفته می شود که از این تعداد حدود یک میلیارد آن مربوط به پول هایی است که از موتروران گرفته می شود.

تاوان این اخذی را نه موتروران، که مردم افغانستان می پردازند. موتروران با افزایش اخذی، کرایه حمل و نقل را بالا می برند و تاجران آن را روی قیمت اجناس می کشند. در نتیجه این مصرف کننده کالاها است که از این مسأله زیان می بینند و مجبور می شوند اجناس را با چند برابر قیمت خریداری کنند. مصرف کنندگانی که از معاش بالا برخوردارند و یا دستی در فساد و رشوه و... دارند باز می توانند در برابر افزایش قیمت ها تاب بیاورند؛ اما مردم عادی بدبختی که دست شان از همه جا کوتاه است، باید چه کنند؟

متأسفانه مشکلات و نیازمندی های اقشار آسیب پذیر و کم درآمد مردم از سوی دولت همیشه نادیده گرفته شده و دولت برای حل مشکل بیکاری، فقر، تورم و گرانی هیچ فکری نکرده و هیچ برنامه مشخص و کارآمدی ارائه نداده است.

از همین روز روز به روز آمار جرایم دزدی، کیسه بری، راه گیری، توزیع و قاچاق مواد مخدر و... افزایش می یابد و امنیت اجتماعی مردم به خطر می افتد. ممکن است ناهنجاری های اجتماعی به عوامل گوناگون بستگی داشته باشد، اما بدون شک در جامعه افغانستان، نا کارایی ها و غفلت های مقامات حکومتی و گسترش فساد در ادارات دولتی، یکی از عمده ترین و تأثیرگذار ترین عامل فقر، بیکاری و نابسامانی های اجتماعی می باشد. از اینرو دولت مسؤلیت دارد تا به مشکلات مردم رسیدگی کرده و از طریق رشوه و اخذ مالیات های مستقیم و غیر مستقیم، زندگی را بر شهروندان کم درآمد کشور تلخ تر نسازد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan Ma

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine